

تبیین و سنجش مؤلفه‌های مؤثر بر نظام پنهان فضایی در خانه‌های اواخر قاجار و اوایل پهلوی در بهبهان^۱

ماهرخ موسوی‌نسب*، ویدا تقوائی**، محمد ابراهیم مظهری***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۵

نوع مقاله: پژوهشی - ۱۰۷-۸۹

چکیده

خانه به‌عنوان تجلی‌گاه فرهنگ ساکنان آن، نظام فعالیتی، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری آنان را می‌نمایاند. پژوهش حاضر با هدف شناخت نقشه پنهان مسکن سنتی بهبهان و تبیین مؤلفه‌های مؤثر بر آن، به سنجش میزان تأثیر متغیرها و وزن‌یابی آنها نسبت به هم خواهد پرداخت. روش پژوهش با تکنیکی آمیخته شامل روش‌های توصیفی و تحلیل محتوا در بخش نظری و تاریخی و همبستگی و علی‌مقایسه‌ای به صورت میدانی در بخش مطالعات موردی است. در گام اول، پرسشنامه‌هایی محقق‌ساخته با توجه به حجم نمونه در اختیار ساکنین ۳۰ خانه در بافت مسکونی سنتی بهبهان جهت تحلیل آماره‌های توصیفی که به وسیله نرم افزار SPSS تحلیل می‌شوند؛ قرار می‌گیرد. در گام بعدی، مصاحبه‌هایی برگرفته از سؤالات پژوهش از جامعه‌ای ۱۰ نفره از کارشناسان که به روش گلوله برفی انتخاب شدند، تدوین و با تحلیل آنها آماره‌های استنباطی استخراج می‌گردد. سپس، به مقایسه امتیازات پرسشنامه‌ها و مستندات پل-چهارراه و بارانداز بودن بهبهان پرداخته می‌شود. نتایج تحقیق حاکی از آن است که اقتضات معیشتی، فرهنگی و اجتماعی ناشی از جغرافیای منطقه و ارتباطات با تجار و اغیار، بر وزن مؤلفه‌های نظام فضایی خانه‌های سنتی بهبهان تأثیر گذارده است. این امر در جهت‌گیری خانه‌ها و شکل‌گیری اجزای نظام فضایی با مقاصد معیشتی، قابل رویت است.

واژه‌های کلیدی: نظام پنهان فضایی، نقشه پنهان، مسکن سنتی، بهبهان

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری تخصصی معماری نویسنده اول با عنوان «بررسی نقشه پنهان سنت معماری مسکن و تأثیر فرهنگ بر الگوی سکونت، نمونه موردی بهبهان از قاجار تا اوایل پهلوی» می‌باشد که به راهنمایی دکتر ویدا تقوائی و مشاوره دکتر محمد ابراهیم مظهری در دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز در حال انجام است.

*Mahrokh.Mousavinasab@iau.ac.ir

* دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

Taghvaei@shariaty.ac.ir

** نویسنده مسئول: دانشیار، گروه ساختمان و معماری، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران

m.e.mazhary@gmail.com

*** استادیار، گروه معماری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران



مقدمه

اقوام دارای رفتار و آرمان‌های متفاوت، محیط‌های متنوعی را به وجود می‌آورند. این پاسخ‌ها از نقطه‌ای به نقطه دیگر تغییر می‌کند و علت این تغییر، نقش عوامل مختلف در چگونگی اثرگذاری فاکتورهای اجتماعی، فرهنگی، آیینی، اقتصادی و کالبدی می‌باشد. مسکن به دلیل ارتباط پیوسته با زندگی انسان‌ها بیشترین ظرفیت را در سازماندهی فضا داشته‌است. لذا مسکن در راستای رشته‌ای مقاصد پیچیده به وجود آمده (راپا پورت، ۱۳۹۲: ۸۲) و به صورت مجموعه‌ای از انطباق پذیری‌ها می‌باشد که انسان با محیط‌های جغرافیایی و فرهنگی ایجاد می‌کند (Baydar, 2004: 19). درک سازمان فضایی خانه‌های سنتی و یافتن مؤلفه‌های مؤثر بر نظام پنهان فضایی در بستر مکانی - زمانی آن‌ها، امری ضروری برای حفظ ریشه‌های فرهنگی جوامع می‌باشد و می‌تواند در آینده در جهت احیا و تداوم الگوی سکونت حاصل از آن با در نظر گرفتن تحولات ایجاد شده در شیوه زندگی ساکنین، مؤثر باشد. بر اساس منابع تاریخی و شواهد باستان‌شناختی، بهبهان واقع در دو مسیر برون منطقه‌ای خوزستان به فارس و خوزستان به اصفهان بوده است. همچنین استان‌های فارس و خوزستان از طریق این شهر به بصره و بغداد مربوط می‌شدند (ابن حوقل، ۱۳۱۷: ۲۵۸/۲؛ جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۰۷؛ اصطخری، ۱۳۶۸: ۹۵). به دلیل موقعیت سوق‌الجیشی منطقه از یک‌سو و قرارگیری بر سر شاهراه ارتباطی بصره به هندوستان، این منطقه به‌صورت بارانداز و استراحتگاه کاروان‌های تجاری بوده است. بافت مسکونی تاریخی شهر بهبهان به عنوان یکی از ارزشمندترین میراث کالبدی شهر، طی گذشت زمان، آسیب‌های فراوانی دیده و بخش‌های زیادی از آن تخریب گردیده یا خالی از

سکنه شده است.

هدف کلی مقاله حاضر را می‌توان تبیین مؤلفه‌ها و معیارهای مؤثر بر نظام پنهان فضایی و میزان تأثیر و وزن‌یابی هر یک از آنها نسبت به یکدیگر در بستر حوزه تحقیق دانست. برای پرداختن به اصل مسئله تحقیق یعنی یافتن مؤلفه‌های مؤثر بر نظام پنهان فضایی مسکن، می‌توان به زمینه‌های روی دادن آن توجه نمود تا به شناخت بیشتری از آن دست یافت. توجه به قرارگیری بهبهان در مسیرهای ارتباطی و تبدیل شدن به بارانداز کاروان‌های تجاری و شناسایی تأثیرات ارتباطات با تجار و اغیار بر نظام پنهان فضایی در خانه‌های سنتی بهبهان، تاکنون کمتر مورد پژوهش علمی و هدفمند بوده و این کمبود، ضرورت انجام پژوهش حاضر را تبیین می‌کند. تحقیق در حوزه این مفاهیم متضمن شناخت شاخص‌ها و مؤلفه‌های معماری است. البته رسیدن به این هدف بدون نگاه به گذشته و واکاوی ارزش‌ها و مؤلفه‌های ثابت امری ناممکن است. به این منظور ابتدا به مطالعات در حوزه مسکن سنتی و نظام فضایی و تدقیق در مستندات مرتبط با بستر مطالعاتی این تحقیق، پرداخته خواهد شد. سپس با توجه به مبانی نظری و مؤلفه‌های مورد تاکید در این مطالعات که بر نظام فضایی مسکن تاکید دارند، به استخراج مؤلفه‌هایی پرداخته خواهد شد که در گام اول، پوشش مناسب و خوبی نسبت به مسکن داشته باشند و در گام دوم، قابل سنجش و ارزیابی باشند. در مرحله بعدی بر اساس معیارهای مستخرج از چارچوب نظری، میزان تأثیر این معیارها نسبت به یکدیگر به روش پیمایشی و با ابزار پرسشنامه بررسی می‌شود. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل‌های انجام شده، می‌توان به منطق شکل‌گیری فضاهای مختلف پی برده و در آینده به ضوابط و معیارهایی جهت

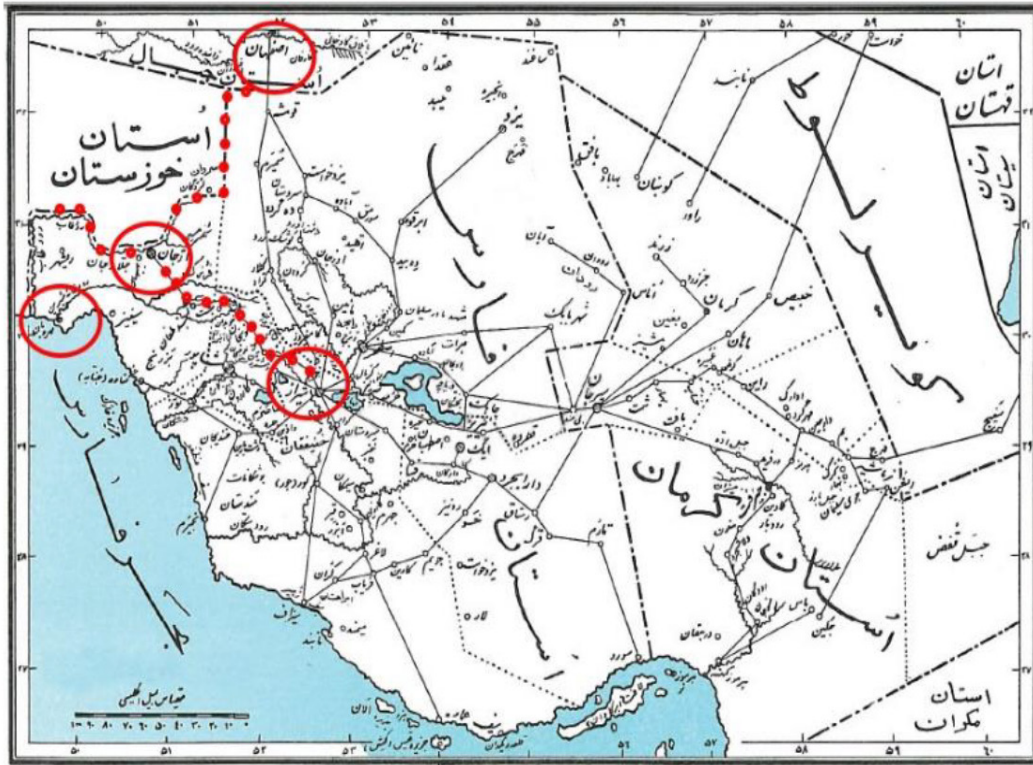
به عنوان زیر بنای توسعه تجارت و رونق اقتصادی، ارتباطات با اغیار و تأثیرات این رابطه بر چستی و چگونگی نظام فضایی خانه‌های بهبهان می‌پردازد. در این راستا، ابتدا به ویژگی‌های تاریخی و جغرافیایی این منطقه و هسته اولیه آن یعنی شهر تاریخی ارجان پرداخته می‌شود. بر اساس مطالعات تاریخی و مستندات باستان‌شناختی، منطقه مورد مطالعه پژوهش حاضر، در مرز میان فارس و خوزستان قرار گرفته و اهمیت آن به سبب موقعیت جغرافیایی و مسیرهای ارتباطی - تجاری بوده است. پس از حملات ویرانگر اسماعیلیان، زلزله، قحطی و ویرانی پل‌های دوگانه شهر ارجان و عدم عبور و مرور، ساکنان آن به بهبهان در نزدیکی ارجان، کوچ کردند. در نهایت، تمامی فعالیت‌های کشاورزی، تجاری و حتی مسیر جاده‌های ارتباطی به شهر بهبهان منتقل گردید (رایگانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۶). ارجان در ابتدای دو مسیر مهم ارتباطی با بغداد قرار داشته و استان‌های فارس و خوزستان از طریق شهر ارجان و با راه بصره به بغداد مربوط می‌شدند (ابن حوقل، ۱۳۱۷) و (اصطخری، ۱۳۶۸) (شکل ۱). شهر بهبهان به سبب واقع بودن بر سر راه سرزمین عراق و پارس و نیز برخورداری از بنادر مشهوری چون مهروبان (دیلم کنونی)، گناوه و سینیز (بندر امام حسن کنونی) از مراکز مهم بازرگانی به شمار می‌رفت و این ناحیه و شهر آن، انبار فارس و عراق و بارانداز خوزستان و اصفهان بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۲۱-۴۲۵)، چنانکه ناصر خسرو نیز در سفرنامه‌اش می‌نویسد که این شهر برای همه کسانی که از طریق دریا به خوزستان سفر می‌کردند و از بصره به خوزستان، فارس و اصفهان می‌آمدند (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۱۶۳-۱۶۴)، اهمیت بسیاری داشته است.

طراحی مسکن جدید بر پایه الگوی گذشته و با در نظر گرفتن تحولات ایجاد شده در شیوه زندگی دست یافت.

نقشه پنهان یا نظام فضایی، به عنوان حلقه واسطه وجه ملموس و غیر ملموس معماری، سازمان‌یافتگی و الگوی فضایی است که باید‌ها و نبایدهای الگوهای حرکت و زندگی را نیز فراهم می‌ساخته است (تقوائی، ۱۳۹۴: ۱۶۹). معماری با تجسم بخشیدن به ارزش‌ها، نقشه پنهان و نظام فضایی را که در آن زندگی و حرکت صورت می‌گیرد، به منصفه بروز می‌رساند. برای بازخوانی نقشه پنهان معماری مسکونی باید ابتدا ساختارهای بنیادی مسکن در بستر تاریخی - جغرافیایی مورد نظر، بررسی شود که در بخش پیشینه تحقیق به آن پرداخته خواهد شد. با توجه به تخریب قسمت‌های زیادی از بافت مسکونی بومی بهبهان، نیاز به برداشت پلان‌ها و نقشه‌های خانه‌های موجود، حفظ و تحلیل یافته‌ها و به دست آوردن روابط فضایی، الگوهای اصیل و مفاهیم نهفته در آن‌ها، ضرورت می‌یابد. پژوهش حاضر سعی بر آن دارد تا با بررسی ویژگی‌های جغرافیایی - تاریخی و فرهنگی بهبهان بتواند به سه سؤال اصلی این پژوهش یعنی «نظام پنهان فضایی مسکن سنتی بهبهان چیست؟ این نظام تحت تأثیر چه مؤلفه‌هایی قرار گرفته و میزان تأثیر این مؤلفه‌ها و وزن‌یابی آنها نسبت به یکدیگر چگونه است؟» پاسخ دهد.

پیشینه تحقیق

این بخش پژوهش ابتدا با بهره بردن از داده‌های باستان‌شناختی و منابع نوشتاری کهن، به بررسی مستندات تاریخی در زمینه خصوصیت «پل - چهارراه بودن» شهر بهبهان، راه‌های درون و برون منطقه‌ای



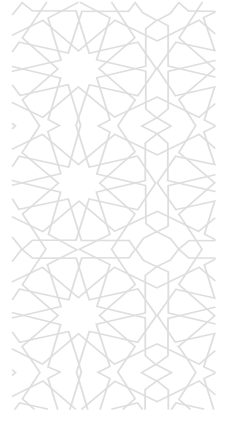
شکل ۱. نقشه موقعیت ارجان و بهبهان و جاده‌های ارتباطی با شیراز و اصفهان و بصره و دارا بودن بندر مهر و بان در عصر خلفای عباسی (منبع: استرنج، ۱۳۳۷).

معیارهای مؤثر بر آن و تبیین نهایی معیارها، بایستی خصوصیت مذکور را در نظر گرفت. با تدقیق در مطالعات و پژوهش‌های گذشته مرتبط با موضوع تحقیق، که همه آنها در حوزه نظام و سازمان فضایی مسکن سنتی در ایران صورت گرفته است (جدول ۱)، توجه به دو مقوله مهم در آنها بسیار مشهود است. اول، توجه به نیازهای انسانی در ساخت مسکن و تلاش در برقرار ساختن یک رابطه علی، بین جامعه انسانی و کالبد معماری است. دوم، توجه به معیارها و ارزش‌هایی که بر نقشه آشکار و پنهان مسکن سنتی تأثیر می‌گذارد. از آن‌جا که به موضوع نظام پنهان فضایی در خانه‌های سنتی بهبهان در منابع، به صورت کامل و جامع تا به حال پرداخته نشده است، لذا ابتدا به بررسی نمونه پژوهش‌های مشابه و مرتبط با موضوع نظام و سازمان فضایی مسکن در دیگر نواحی ایران پرداخته می‌شود.

مستندات و شواهد تاریخی نشان می‌دهد که بهبهان نقش خود را به‌عنوان پل و شاهراه ارتباطی در منطقه تا دوره قاجار حفظ کرده است (دوبد، ۱۳۸۸: ۱۹۳). به دلیل قرارگیری مناطق کوهستانی در مجاورت دشت بهبهان و صعب‌العبور بودن راه‌های دسترسی به بهبهان، این منطقه به‌صورت بارانداز و استراحتگاه کاروان‌های تجاری و محل رفت‌وآمد بازرگانان و تجار از کشورهای دیگر بوده است که موجب شد دارای خصوصیت «پل - چهارراه بودن» گردد. عامل بازرگانی و گسترش مبادلات تجاری، در شکل‌گیری فرهنگ ساکنین شهرها دخالت دارند. نقش چنین عوامل مختلفی را در شکل‌گیری شهر بهبهان، فرهنگ و معماری آن نمی‌توان نادیده انگاشت. خصوصیت «پل - چهارراه بودن» شهر بهبهان، سبب شکل‌گیری ارزش‌هایی شده است که در بستر بناهای سنتی و از جمله مسکن، ادراک می‌شود. از این رو برای استخراج چیرستی نظام فضایی پنهان مسکن و

جدول ۱. جدول ارزیابی نهایی مرور ادبیات موضوعی

نام محقق	عنوان تحقیق	سال چاپ	معیارهای سنجش
صدیقه مسائلی	نقشه پنهان در مسکن سنتی کویری ایران	۱۳۸۶	مسکن سنتی دارای دو گونه نقشه است. نقشه آشکار که از نیازهای عملکردی زندگی انسان نشأت گرفته و نقشه پنهان که از خواست‌های فطری دین و از فراآگاهی فطری معمار سازنده
ویدا تقوایی	نظام فضایی پنهان معماری ایرانی و ساختار آن	۱۳۸۶	نظام فضایی معماری ایرانی با الگوپذیری از نظام فضایی عالم شامل سلسله مراتب مفهومی، مرکزی و محوری بوده و دارای ساختار جهت‌گیری، مرکزگرایی و محوریت عمودی
صدیقه مسائلی	نقشه پنهان به مثابه دست‌آورد باورهای دینی در مسکن سنتی کویری ایران	۱۳۸۸	مرکزیت، محرمیت، جهت‌گیری، هندسه و تناسب، نور و رنگ مؤثر بر نقشه پنهان
شهرام پوردیهیمی	فرهنگ و مسکن	۱۳۹۰	ارزش‌های فرهنگی شامل ارزش‌ها، دیدها و باورها، اندیشه‌ها، دانش‌ها و فن‌ها، دین، آداب و سنت‌ها، علوم و فلسفه و ادبیات و هنر مؤثر بر ویژگی‌های محیط مسکونی
صدیقه مسائلی	مسکن خرمشهر از الگوی بومی تا ضوابط طراحی	۱۳۹۰	مسکن بومی خرمشهر تحت تأثیر ویژگی‌های فرهنگی، شیوه سکونت و نیازهای جدید زندگی، دارای یک الگوی واحد از نظر نظام قرارگیری فضاهای عملکردی اصلی اطراف حیاط است.
باقری، حجت و دشتی	ارزیابی تحول زبان الگو در معماری مسکن، بررسی موردی: خانه‌های دوره قاجار و مسکن معاصر در شهر زنجان	۱۳۹۴	توجه عمیق به الگوهای فرهنگی-رفتاری و سازمان فضایی، زبان الگوی سکونت
آصفی و ایمانی	بازتعریف الگوهای طراحی مسکن مطلوب ایرانی-اسلامی معاصر با ارزیابی کیفی خانه‌های سنتی	۱۳۹۵	ارزیابی نهایی داده‌ها از روش تحلیل سلسله مراتبی؛ رابطه معناداری بین کیفیت خانه‌های سنتی، انسان، معماری و سبک زندگی گذشته
حسن فریدون زاده	هنجار شکل‌یابی مسکن روستایی	۱۳۹۷	مؤلفه‌های تشابه، فرهنگی-سنتی، اقلیمی-جغرافیایی، اقتصادی-معیشتی، مقیاس و تناسبات مؤثر بر هنجار شکل‌یابی مسکن روستایی
علیرضا تقی‌زاده و تقوایی	محوربندی فضایی، سیر تجلی وحدت در کثرت در معماری	۱۳۹۷	دو محور عمود بر هم در حیاط، عامل اصلی جای‌گیری عناصر اطراف نسبت به آن است.
پوریا سعادت‌ی و قار و همکاران	واکاوی تعامل بین گونه‌های شکلی مسکن سنتی و ارتباطات فضایی با استفاده از ابزار نحو فضا	۱۳۹۸	تحلیل سازمان فضایی خانه‌های سنتی کاشان به روش نحو فضا و تأثیر‌پذیری ارتباطات فضایی آنها از ویژگی‌های اقلیمی و فرهنگی
محمد لطفی و همکاران	منطق اجتماعی فضا در مسکن بومی قاجار اصفهان	۱۳۹۹	تحلیل مفهوم عمق در مسکن بومی قاجار اصفهان و ارتباط مستقیمی آن با قلمروهای فضایی، ترکیب و تعیین فضاهای خصوصی و عمومی، سلسله مراتب فضایی و محرمیت
موسوی نسب و همکاران	تحلیل الگوی اندرونی-بیرونی به مثابه نظام پنهان فضایی با استفاده از روش نحو فضا در خانه‌های اواخر قاجاریه و اوایل پهلوی در بهبهان	۱۴۰۰	تحلیل نظام فضایی خانه‌های سنتی بهبهان به روش نحو فضا حاکی از آن است که به رغم استفاده از الگوی ثابت «اندرونی-بیرونی» در خانه‌های بهبهان، بر اساس میزان رفت‌وآمد اغیار، تفاوت‌هایی در نظام فضایی آن‌ها، وجود دارد.
مفتخر و همکاران	تناسبات حیاط خانه‌های سنتی شهر بهبهان (دوره قاجار و پهلوی اول)	۱۴۰۰	تناسبات به کار رفته در ابعاد حیاط و نماهای پیرامونی حیاط خانه‌های بهبهان، عمدتاً تناسبات زرین ایرانی و هندسه مربع هستند.
رهروی پوده و حقیقی بروجنی	بررسی عوامل مؤثر در چیدمان پلانی فضاهای خانه‌های تک حیاط شهر اصفهان	۱۴۰۰	توجه به ویژگی‌های شکلی زمین، محورها و اقلیم در نحوه قرارگیری فضاها در اطراف حیاط خانه‌های تاریخی اصفهان
مزیانیان و همکاران	تبیین برهم‌کنش عوامل اقلیمی و فرهنگی در شکل‌گیری حیاط خانه‌های سنتی شهر همدان	۱۴۰۱	دو دسته کلی مؤلفه‌ها در حوزه فرهنگ شامل شیوه‌های معماری ایرانی و عناصر فرهنگ ساز در شکل‌گیری الگوی معماری خانه‌های حیاط دار سنتی همدان مؤثر هستند. گونه‌های درون‌نگرای قاجاری و التقاطی وضعیت مطلوب تری از نظر عوامل اقلیمی دارند.
Bahare Mazinianian et al.	The Influence of Culture in the Body of Traditional Courtyards of Hamedan Based on Data Theory	۲۰۲۲	بررسی علل شکل‌گیری حیاط مرکزی از منظر فرهنگی در شهر همدان، بر اساس نتایج، روش‌های معماری ایرانی و عناصر فرهنگی موجود در معماری بومی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری الگوی معماری دوره قاجار و پهلوی داشته‌اند. با طراحی فضای باز حیاط به عنوان هماهنگ‌کننده بین فضای بیرون و داخل، فضاهای خصوصی و عمومی تفکیک شده تا هویت سایر فضاها حفظ شود.

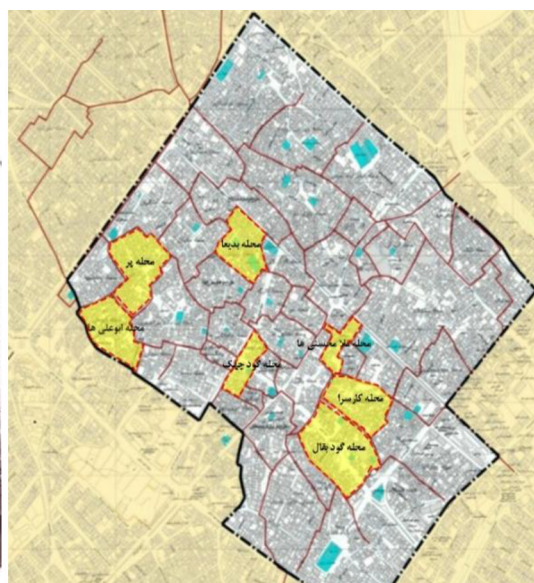
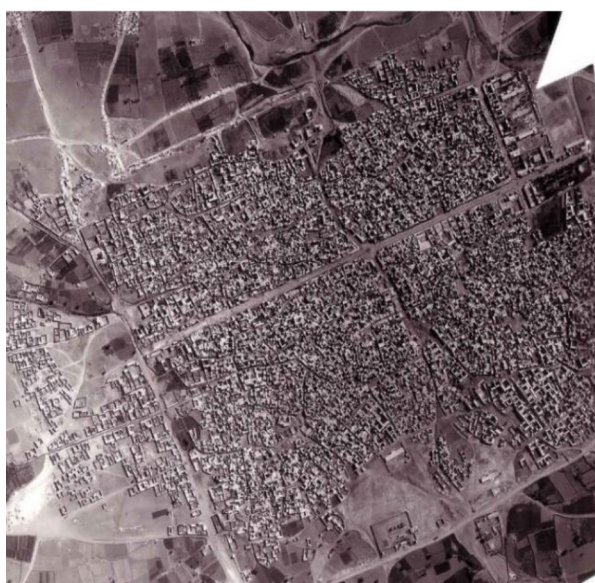


چنانچه آمد بر اساس مطالعاتی که تاکنون انجام گرفته، دسته‌ای از پژوهش‌ها و مقالات جدول ۱ به یافتن مؤلفه‌ها و ساختارهای نظام فضایی و نقشه پنهان مسکن پرداخته‌اند، و دسته‌ای دیگر سازمان فضایی مسکن سنتی را در شهرهای معروفی چون اصفهان، کاشان و همدان بررسی کرده‌اند. در برخی از پژوهش‌های اخیر از تکنیک نحو فضا برای بررسی روابط فضایی خانه‌ها استفاده شده است. در پژوهش‌های معدودی که در خصوص نظام فضایی مسکن سنتی بهبهان صورت گرفته، می‌توان دریافت ویژگی «پل - چهارراه بودن» در شکل‌گیری فرهنگ ساکنین شهر بهبهان، نقش عمده‌ای داشته است. مطمئناً رفتار و تعامل با بازرگانان و مسافران با توجه به تفاوت‌های فرهنگی که داشته‌اند، یکسان نبوده است. لذا ساکنین این منطقه مجبور بودند که خود را با شرایط و موقعیت جغرافیایی که داشتند، همسو و هماهنگ کنند و با هر فرد متناسب با ویژگی‌های فرهنگی که داشته، رفتار کنند. این ویژگی فرهنگی که باعث پیچیدگی و لایه‌لایه بودن مردم می‌شده، نمود خود را در همه مظاهر فرهنگی از جمله معماری نمایان می‌ساخته است، که مهم‌ترین خصوصیت

معمارانه آن الگوی «اندرونی و بیرونی» است. به‌طورکلی به‌رغم استفاده از الگوی ثابت «اندرونی - بیرونی» در خانه‌های بهبهان، عمق اندرونی و بیرونی در همه آنها یکسان نیست. شدت و استمرار رابطه و دادوستد با دیگران و غریبه‌ها، بر عمق اندرونی و بیرونی تأثیرگذار بوده و شکل‌گیری حریم‌های فضایی و تفکیک قلمروهای متفاوت، تحت تأثیر روابط شغلی صاحب‌خانه قرار گرفته است. پژوهش حاضر در ادامه تحقیقات پیشین نگارندگان در زمینه نظام فضایی مسکن سنتی بهبهان (موسوی نسب و همکاران، ۱۴۰۰)، به تأثیرات ویژگی‌های تاریخی - جغرافیایی بهبهان بر وزن مؤلفه‌های نظام فضایی خانه‌ها پرداخته است که به نوبه خود یک پژوهش نوآورانه است.

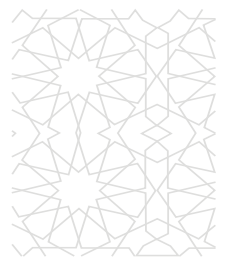
معرفی نمونه مورد مطالعه

محدوده بافت تاریخی بهبهان با توجه به بازدید میدانی از شهر، مطالعات کتابخانه‌ای، تحقیق و مراجعه به افراد صاحب‌اطلاع و مطالعاتی که بر روی عکس هوایی سال‌های ۱۳۳۶ و ۱۳۴۳ صورت گرفته، تعیین گردیده است (شکل‌های ۲ و ۳).



شکل ۲. محدوده هسته تاریخی بهبهان و محلات مورد بررسی شکل ۳. عکس هوایی از بهبهان سال ۱۳۳۶ شمسی

(منبع: مهندسین مشاور مادشهر، ۱۳۸۸)



در پژوهش حاضر، از کل ابنیه موجود در بافت، خانه‌هایی که بخش عمده‌ای از آنها تخریب شده، حذف گردید. همچنین خانه‌هایی که به دلایلی از جمله تغییرات عمده در بنا و یا عدم دسترسی و یا عدم همکاری ساکنین، امکان تحلیل و برداشت پلان آنها وجود نداشت، نیز حذف گردید. در نهایت تحلیل‌های مورد نظر بر روی ۳۰ نمونه مسکن سنتی بهبهان در محدوده بافت تاریخی انجام شد که معیار سنجش و نتیجه‌گیری بودند. نمونه‌های انتخابی مربوط به دوره‌های زمانی اواخر قاجار و اوایل پهلوی هستند که با گذشت زمان، گسست فرهنگی و بحران هویت در کالبد آنها پدیدار نگشته و اصالت و هویت خانه‌های سنتی را دارند. با توجه به محدودیت تعداد نمونه‌های موجود، این مقاله، از طریق پرسشنامه و مصاحبه با ساکنین گذشته خانه‌های تخریب شده، سعی در اکتشاف وضعیت خانه‌های مورد نظر پژوهش داشته است.

روش تحقیق

در قسمت انجام مراحل پژوهش، از روش توصیفی و تحلیل محتوا برای بیان مفاهیم سازمان‌دهنده قابل تعمیم از مؤلفه‌های نظام پنهان فضایی معماری و بررسی مستندات تاریخی در زمینه خصوصیت «پل - چهارراه بودن» شهر بهبهان و ارتباطات با تجار با استفاده از متون، سفرنامه‌ها، منابع و آرای صاحب‌نظران استفاده شده است؛ این مقاله با روش تحقیق علی - مقایسه‌ای ضمن بررسی مستندات تاریخی، در پی رسیدن به مؤلفه‌ها و متغیرهای مؤثر بر پدیده نظام فضایی پنهان معماری مسکن بهبهان است. به عبارتی در مطالعه‌های علی - مقایسه‌ای، محیط‌های کالبدی قابل مقایسه، انتخاب شده و سپس درباره متغیرهای متعدد مربوط به تحقیق، داده‌هایی گردآوری گردیده و پس از آن، با آزمون فرضیه، علت به دست آمده است

(گروت و وانگ، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر با ابزار مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه، متغیرها و شاخص‌های نظام فضایی مسکن تبیین گردیده و در چهار گروه مؤلفه‌های اصلی، دسته‌بندی شده‌اند. این دسته‌بندی، با هدف بررسی میزان تفاوت‌های معنادار در متغیرهای اندازه‌گیری شده، یعنی تفاوت وزن مؤلفه‌های مؤثر بر نظام فضایی مسکن، انجام شده است. سؤالات پرسشنامه در چهار دسته ده تایی تنظیم شدند. برای روشن شدن میزان ارتباط میان مؤلفه‌های نظام فضایی مسکن، از روش همبستگی و آزمون‌های آماری استفاده شده است. داده‌های کمی به دست آمده و مؤلفه‌های تأثیرگذار از طریق پرسشنامه‌های توزیع شده، توسط رایانه تجزیه و تحلیل و پردازش شده‌اند. حاصل تجزیه و تحلیل، شناخت نقش کمی شاخص‌ها و تبیین مؤلفه‌های نظام پنهان فضایی معماری بر اساس ویژگی‌های بستر تحقیق می‌باشد. به این ترتیب روش همبستگی، با هدف تعیین اولویت‌ها و تبیین وزن مؤلفه‌های نظام پنهان فضایی مسکن به کار گرفته شده است. روش همبستگی نوع رابطه بین متغیرها را مشخص می‌کند و هیچ‌یک از متغیرها دستکاری نمی‌شود. همچنین نرمال بودن متغیرها از طریق آزمون‌های آماری کنترل می‌شود. از روش میدانی نیز در سود جستن از اندیشه‌های صاحب‌نظران از خلال نمونه‌های مشابه و برخورد با نمونه و تهیه گزارش، نقشه و مدارک در دوره زمانی مورد نظر استفاده شده است. همچنین در تحقیق حاضر به لحاظ رویکرد، راهبردهای کیفی و کمی ترکیبی هم‌زمان تغییرپذیر^۱ استفاده شده است که در آن نمونه‌های موردی پژوهش بر اساس شاخص‌های تعیین شده و با توجه به عوامل اصلی، مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. در این راستا مؤلفه‌های مؤثر بر نظام فضایی مسکن به عنوان ساختاری که از حاصل دیدگاه مردم و کارشناسان شکل می‌گیرد، در چهار دسته

اصلی ارزیابی خواهند شد. این چهار دسته عبارتند از: مؤلفه‌های اقلیمی - جغرافیایی، فرهنگی - اعتقادی، اقتصادی - معیشتی و کالبدی - عملکردی. گذشته از چرایی و چگونگی پیدایش این مؤلفه‌ها که جای نقد و بررسی دارد، اما برخی از این مؤلفه‌ها کلی هستند و شامل برخی از مؤلفه‌های دیگری نیز هست و برخی دیگر خیلی جزئی است که بسته به ماهیت هر پژوهشی کاربرد خاص خود را دارد. اما در هر حال با توجه به ماهیت این تحقیق، نیاز به مؤلفه‌هایی است که بتواند جنبه‌های مختلفی از موضوع مسکن را پوشش دهد که نظام فضایی مسکن سنتی بهبهان بر اساس آن ویژگی‌ها شکل گرفته است. این مؤلفه‌ها به عنوان بستر اصلی نظام فضایی مسکن سنتی بهبهان شامل شاخص‌هایی می‌باشند که در قالب سؤالات پرسشنامه به آنها پرداخته شده است. روش کمی استفاده شده در سنجش مؤلفه‌ها، روشی توصیفی با راهبرد علی مقایسه‌ای با ابزار مشاهده و پرسشنامه است. روش کیفی استفاده شده در مؤلفه‌ها، روش تحلیل محتوای کمی است که با تحلیل نظرات کارشناسان و منتقدین معماری و شهرسازی با کمک ابزارهایی نظیر مصاحبه و پرسش، انجام شد. ابزار بخش کمی پژوهش، پرسشنامه‌ای بسته‌پاسخ متشکل از ۴۰ سؤال است که در مقیاس چهارتایی از بسیار زیاد تا بسیار کم، تنظیم شده‌اند.

با توجه به تخریب گسترده، تغییر کاربری و تغییرات بنیادی در بخش عمده‌ای از خانه‌های به‌جامانده از دوره‌های مورد بررسی، لذا پژوهش با محدودیت تعداد خانه‌ها مواجه بود. از این رو جامعه آماری مورد نظر تحقیق از میان ساکنین قدیم و حال حاضر ۳۰ خانه انتخاب گردید. جهت تعیین حجم نمونه، از فرمول تعیین حجم، استفاده شد. لذا با استفاده از رابطه^۲ حداقل حجم نمونه، برابر ۱۸۶ به دست آمد. در نهایت ۲۰۰ عدد پرسشنامه به

صورت هدفدار در میان ساکنین خانه‌های فوق‌الذکر توزیع شد. با تدقیق بر بستر مورد مطالعه و شرایط موجود و حال حاضر نمونه‌ها، نمونه‌گیری در دو مرحله صورت گرفت. ابتدا نمونه‌گیری هدفدار خوشه‌ای، در انتخاب خانه‌های هدف تحقیق، که هر خانه، معرف یک خوشه است. در این مرحله، شرط کافی و جامع برای این نمونه‌گیری، در دسترس بودن ساکنین گذشته یا حال آن و در دسترس بودن و قابلیت برداشت خانه بود. در مرحله دوم، نمونه‌گیری هدفدار در انتخاب افراد ساکن گذشته و حال خانه‌ها که افراد اعضای خوشه‌ها بودند و شرط کافی و جامع در این نمونه‌گیری انتخاب افرادی اعم از زنان و مردان ۲۰ تا ۸۵ ساله از زنان و مردان ساکنین خانه‌های هدف می‌باشد. دلیل انتخاب این افراد در وهله اول، داشتن حداقل سابقه سکونت پنج ساله در خانه و در وهله دوم آماده همکاری با پژوهشگر بوده است. نمونه‌گیری بخش کیفی، بر اساس مصاحبه‌هایی که برآمده از سؤالات و پیش‌فرض‌های پژوهش است شامل ۱۰ نفر از متخصصین معماری، شهرسازی و مرمت که اشراف کامل به موضوع مسکن و نظام فضایی و آشنایی با بافت مسکونی سنتی بهبهان دارند به صورت گلوله برفی^۳ انتخاب شدند.

یافته‌های توصیفی

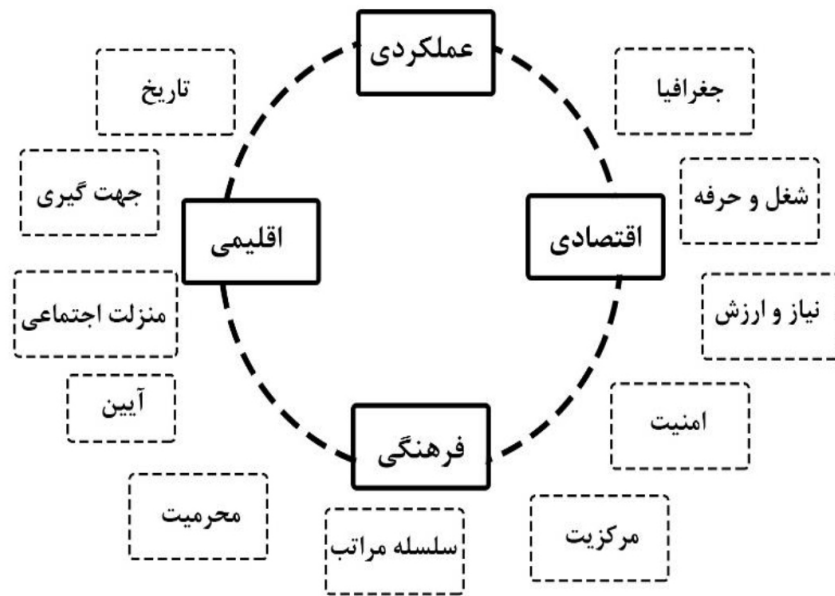
شکل‌گیری نظام فضایی خانه‌های سنتی بهبهان، ریشه عمیق در مبانی و اصول اندیشه‌های اجتماعی و فرهنگی این منطقه دارد. بدین گونه، فضاها و واحدهای مسکونی در کنار هم چیده شده‌اند و ترتیب قرارگیری آنها دارای نظام خاصی است که ناشی از شیوه زیست، نحوه معیشت، روابط تجاری و بازرگانی، موقعیت سوق‌الجیشی شهر، فرهنگ ساکنین، اقلیم و موقعیت و ابعاد زمین است. این مقاله با تمرکز بر مطالعات ادبیات نظری در حوزه مسکن سنتی و نظام فضایی و به کمک ابزار مشاهده

و مصاحبه، به تبیین مؤلفه‌های نظام فضایی مسکن و شاخص‌های آن‌ها، پرداخته است (شکل ۴). این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها، از حاصل دیدگاه ساکنان و کارشناسان بر مبنای ویژگی‌های تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی بهبهان که در بخش پیشینه پژوهش به آن پرداخته شد و همچنین از مطالعات مبانی نظری استخراج شدند. لذا، مؤلفه‌های مؤثر بر نظام فضایی مسکن سنتی در چهار گروه مؤلفه‌های اصلی، دسته بندی شدند و عبارتند از: مؤلفه اقلیمی - جغرافیایی، مؤلفه فرهنگی - اعتقادی، مؤلفه اقتصادی - معیشتی و مؤلفه کالبدی - عملکردی که در ادامه شرح داده می‌شود.

مؤلفه فرهنگی - اعتقادی

مؤلفه فرهنگی - اعتقادی از مؤلفه‌هایی

است که در جوامع سنتی همچون بافت قدیمی شهرهای کوچک، بیشتر مورد توجه است. گسترش مبادلات تجاری در بهبهان و تعامل با بازرگانان و مسافران با توجه به تفاوت‌های فرهنگی که داشته‌اند، سبب شکل‌گیری ارزش‌ها و سنت‌هایی در ساکنین این شهر، شده که در بستر معماری پرورانده شده‌اند و از طریق نظام فضایی پنهان در کالبد معماری، ادراک می‌شوند. شدت و استمرار رابطه و دادوستد با دیگران و غریبه‌ها، سبب تقویت ارزش‌هایی چون پابندی به حریم خانواده و محرمیت می‌شود که در شکل‌گیری نظام فضایی خانه‌های سنتی تأثیر می‌گذارد. لذا شاخص فرهنگی - اعتقادی به عنوان یکی از شاخص‌ها مورد بررسی قرار گرفت.



شکل ۴. مؤلفه‌های مؤثر بر نظام فضایی مسکن برگرفته از ادبیات نظری تحقیق.

مؤلفه اقتصادی - معیشتی

مؤلفه اقتصادی - معیشتی نیز از مؤلفه‌هایی است که با توجه به روابط تجاری و بازرگانی، موقعیت سوق‌الجیشی شهر و خصوصیت «پل-چهارراه بودن» شهر بهبهان، بر نظام فضایی خانه‌های سنتی تأثیرگذار است. مطمئناً تعامل با

بازرگانان و مسافران از یک سو و انجام فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی در خانه از سوی دیگر، نیازمند فضاهایی می‌باشد که بر نظام فضایی خانه تأثیرگذار است. بنابراین مؤلفه اقتصادی - معیشتی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی مورد بررسی قرار گرفت.

مؤلفه اقلیمی - جغرافیایی

یکی از مؤلفه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. بدین ترتیب موارد فوق الذکر را می‌توان به عنوان مؤلفه‌های اصلی تعریف کرد؛ اما باید اذعان کرد که این مؤلفه‌ها، همه مؤلفه‌ها نیستند و حتماً مؤلفه‌های دیگری نیز هستند که در شکل‌گیری مسکن سنتی بهبهان دخالت دارند، اما با توجه به دلایل متعددی از جمله حد تأثیر کم، در دسترس نبودن اطلاعات مدون و قابل استناد، تخریب و تغییرات بنیادی در بخش عمده‌ای از خانه‌های به‌جامانده از دوره‌های موردبررسی و در نتیجه محدودیت تعداد نمونه‌ها، در دسته مؤلفه‌های اصلی قرار نمی‌گیرند و ممکن است به عنوان مؤلفه‌های ثانویه مورد بررسی قرار بگیرند. تقدم و میزان تأثیر مؤلفه‌های ذکر شده از اهداف این تحقیق بوده و این مقاله در جستجوی آن است.

یافته‌های تحلیلی

تجزیه و تحلیل، به عنوان فرآیندی از روش علمی، یکی از پایه‌های اساسی هر روش تحقیقی است. طی آن، محقق فرضیه‌ها را به معرض آزمون گذاشته و میزان صحت و سقم آنها بررسی می‌شود. لذا در این بخش با توجه به داده‌های کمی به دست آمده، از یک سو با روشی میدانی به بررسی و تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار بر اساس نقشه‌ها و مدارک موجود پرداخته و از سویی دیگر از طریق پرسشنامه‌های توزیع شده در میان ساکنین خانه‌ها و پردازش آنها توسط رایانه با استفاده از نرم افزار SPSS22 به تجزیه و تحلیل داده‌های آماری پرداخته شده است. در سؤالات پرسشنامه به شاخص‌های مؤثر بر نظام فضایی مسکن شامل ایجاد مرکزیت، بهره‌گیری از محورها، سلسله مراتب، ایجاد محرمیت، جهت‌گیری، تقارن، هندسه، تناسب، نور،

مؤلفه اقلیمی - جغرافیایی از عوامل محیطی است که که از نظر فراوانی، توجه به آن در تحقیقات گوناگون در حوزه مسکن، تأکید زیادی شده است. ضمن این که، این مؤلفه در بستر گرم و نیمه خشک استان خوزستان در بیشتر ماه‌های سال، حوزه‌های سکونتگاهی را تحت تأثیر شدید دمای بالا و گرمی هوا قرار می‌دهد. بنابراین چگونگی متعادل کردن دمای مسکن و آسایش نسبی باشند یا مصرف کننده در هر فصل و در هر ساعت از روز، در این حوزه جغرافیایی علی‌الخصوص در فصول گرم سال از اهمیت بالایی برخوردار است. لذا مؤلفه اقلیمی - جغرافیایی به عنوان یکی از مؤلفه‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

مؤلفه کالبدی - عملکردی

مؤلفه کالبدی - عملکردی شامل تمهیدات صنعتی و عملکردی معمارانه است که واجد نظامی مادی بوده و با پشتوانه معنی به نظامی موزون و متعالی رسیده است (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰). سازمان‌دهی فضاهای مختلف بر اساس عملکردشان و به اندازه و متناسب بودن هر فضا، اجزای فضا را در مراتب و ترکیب‌های حساب شده‌ای قرار می‌دهد. اصولی چون سلسله مراتب، مرکزیت، جهت‌گیری و ... به تبیین مراتب و نحوه ارتباط قلمروهای مختلف در مسکن سنتی پرداخته و آثار و نتایج عمیقی در سازماندهی فضایی و نحوه قرارگیری عملکردهای گوناگون داشته است. هر چند ساختار نظام فضایی معماری به روابط، نسبت‌های کمی و کارکردهای مادی محدود نمی‌شود اما این نظام، ساختاری را در معماری مطرح می‌کند که عملکردهای مختلف در آن تحقق می‌یابد. لذا مؤلفه کالبدی - عملکردی به عنوان

رنگ، انطباق عملکرد فضاها با معیشت خانوار، بهره‌گیری از مصالح بوم‌آورد و در دسترس، محدودیت‌های مصالح سنتی در ساخت مسکن و شکل‌یابی مسکن به صورت یکدفعه یا تدریجی (جدول ۲) پرداخته شده است. سؤالات پرسشنامه و شاخص‌های مؤثر بر نظام فضایی که از مطالعات مبانی نظری استخراج شده‌اند، بسته به اینکه به کدام یک از چهار مؤلفه اصلی بیشتر مرتبط هستند، دسته‌بندی شده‌اند. از آن جا که بسیاری از شاخص‌ها می‌توانند به صورت توأم ناشی از چند مؤلفه اصلی باشند، لذا ابتدا توسط آرای صاحب‌نظران و متخصصین حوزه معماری و آشنا با بستر تحقیق، پالایش شده و پس از امتیازدهی افراد مذکور، ارتباط هر شاخص با هر مؤلفه به صورت درصد مشخص گردیده است. در نهایت شاخص‌هایی که طبق نظر متخصصین بیش از هشتاد درصد با مؤلفه اصلی مرتبط هستند، در

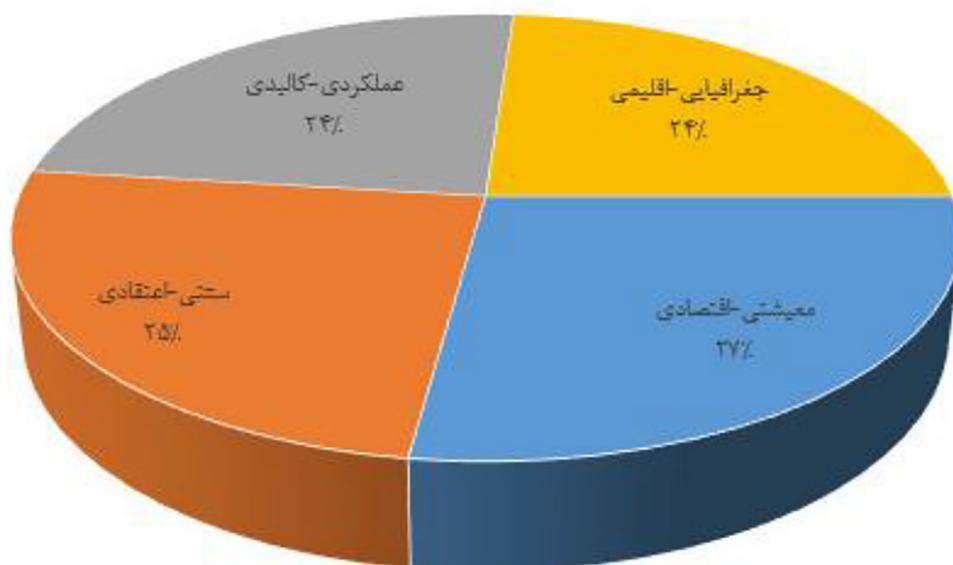
دسته‌بندی مربوطه قرار گرفتند. لذا معیار دسته‌بندی‌ها، بیشترین قرابت و ارتباط بر طبق نظرسنجی می‌باشد. به عنوان مثال هر چند شاخص هندسه و ابعاد فضاها می‌تواند به صورت توأم ناشی از عوامل کالبدی - عملکردی، اقتصادی - معیشتی و اقلیمی - جغرافیایی باشد، لذا با توجه به معیار بیشترین قرابت و ارتباط بر طبق نظرسنجی، در دسته کالبدی - عملکردی قرار گرفته است. در نهایت سؤالات با اتکاء به معیارها و شاخص‌های مذکور در چهار دسته ده تایی تنظیم شدند. به عبارتی هر مؤلفه اصلی با ده سؤال سنجیده خواهد شد. مطابق جدول ۲ به عنوان مثال سؤالاتی از پرسشنامه که به مفاهیمی چون محور قبله، سلسله مراتب، حریمیت و کنترل دید و تفکیک فضاها، آشنا و غیر در خانه پرداخته‌اند، در دسته مؤلفه فرهنگی - اعتقادی قرار گرفته‌اند. سایر دسته‌بندی‌ها نیز مطابق جدول ۲ می‌باشد.

جدول ۲. مؤلفه‌های اصلی و شاخص‌های مؤثر بر نظام فضایی برگرفته از ادبیات نظری تحقیق و مصاحبه با کارشناسان

مؤلفه اصلی	شاخص‌ها	مؤلفه اصلی	شاخص‌ها
کالبدی-عملکردی	ایجاد مرکزیت تعدد حیاط‌ها تقارن و تعادل در نما تناسبات درب و پنجره (ریتم) هندسه و ابعاد فضاها	فرهنگی- اعتقادی	محور قبله سلسله مراتب ورود ایجاد حریمیت (دالان ورودی، حیاط مرکزی) کنترل دید مهمان‌خانه تفکیک فضای آشنا و غیر
اقتصادی-معیشتی	مصالح در دسترس انطباق عملکرد فضاها با حرفه صاحب‌خانه انطباق عملکرد فضاها با معیشت خانوار شکل‌یابی مسکن به صورت یکدفعه یا تدریجی محدودیت‌های مصالح سنتی در ساخت مسکن	اقلیمی- جغرافیایی	جهت‌گیری اقلیمی تناسبات و ابعاد درب و پنجره قرارگیری فضای نیمه باز ایجاد زیرزمین (گود) استفاده از مصالح بومی

همچنین در بخش بعدی، داده‌های کیفی از طریق مصاحبه و پرسش‌گردآوری شده‌اند. در گام دوم، (مطابق جدول ۳) ضمن بررسی پایایی و روایی ابزار اندازه‌گیری و توزیع فراوانی متغیرها و مؤلفه‌ها در میان

آزمودنی‌ها، از آمار توصیفی جهت به دست آوردن درصد، فراوانی و میانگین بهره گرفته شده است. اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه‌ها پس از کدگذاری وارد نرم افزار شده و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.



شکل ۵. مقایسه آمار توصیفی مؤلفه‌های اصلی مؤثر در نظام فضایی مسکن

نشان می‌دهد که بر اساس مدل پژوهش، شاخص‌ها و سنجه‌های مطروحه در جدول ۲، عامل اقلیمی - جغرافیایی کمترین تأثیر را بر نظام فضایی نمونه‌های منتخب پژوهش، از نظر پاسخ‌دهندگان داشته است.

با مقایسه امتیازات از آمار توصیفی پرسشنامه‌ها و بر اساس تحلیل انجام شده (شکل ۵)، می‌توان اذعان داشت که، عامل اقتصادی - معیشتی بیشترین تأثیر را در نظام فضایی خانه‌های بهبهان در دوره قاجار و اوایل پهلوی داشته و همچنین این آمار

جدول ۳. مقایسه آمار توصیفی مؤلفه‌های اصلی مؤثر بر نظام فضایی مسکن

ردیف	مؤلفه‌های اصلی مؤثر بر نظام فضایی مسکن	میانگین امتیازات
۱	اقتصادی - معیشتی	۳/۷۱۸۱
۲	فرهنگی - اعتقادی	۳/۳۸۰۶
۳	کالبدی - عملکردی	۳/۳۱۳۹
۴	اقلیمی - جغرافیایی	۳/۲۶۳۰

از ۰/۰۵) استفاده شده است. حاصل تجزیه و تحلیل، شناخت نقش کمی شاخص‌ها و تبیین مؤلفه‌های نظام پنهان فضایی معماری بر اساس الگوی پژوهش و ویژگی‌های بستر تحقیق می‌باشد.

سپس در بخش آماره‌های استنباطی، برای پاسخ به سؤالات تحقیق، جهت یافتن نرمال بودن متغیرها در آمار استنباطی از آزمون فریدمن و کالموگروف اسمیرنوف^۵ مطابق (جدول ۴) (مقدار احتمال همه متغیرها بیش

جدول ۴. بررسی نرمال بودن متغیرهای وابسته بر اساس آزمون کولموگروف - اسمیرنوف

نام متغیر	آماره آزمون	مقدار احتمال
اقلیمی - جغرافیایی	۰/۴۹۵	۰/۰۹۷
کالبدی - عملکردی	۰/۵۹۵	۰/۱۱۸
فرهنگی - اعتقادی	۰/۳۹۸	۰/۴۲۹
اقتصادی - معیشتی	۰/۴۴۲	۰/۲۱۸

جایگزین به تفکیک هر فرد مصاحبه‌شونده و به ترتیب سؤالات اول تا پنجم انتخاب شده است. پس از مرحله تلخیص، در مرحله عرضه داده‌ها، نوبت به قرار دادن داده‌ها در دسته‌بندی‌هایی قابل نتیجه‌گیری است. لذا بر خلاف مرحله قبل، که داده‌ها بر اساس ترتیب افراد مصاحبه‌شونده مورد تلخیص قرار گرفت، در این مرحله داده‌ها به تناسب موضوع سؤالات مصاحبه، دسته‌بندی و عرضه خواهند شد. به منظور عرضه اهداف کلی، (سوال ۱، ۲ و ۳) علاوه بر تلخیص مجدد، عمدتاً از متن داستان‌گونه استفاده خواهد شد. برای اهداف فرعی، (سوال ۴ و ۵) از شیوه مقوله‌بندی و شمارش نظرات مطابق با جدول ۵ صورت می‌گیرد.

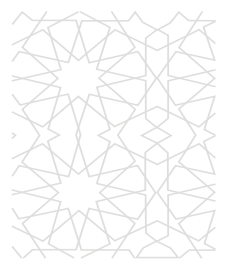
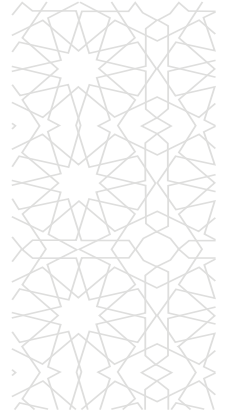
این مقاله در بخش بعدی برای توصیف نقش کیفی مؤلفه‌ها و متغیرها از مصاحبه با کارشناسان و صاحب‌نظران معماری و شهرسازی استفاده کرده است که هدف آن، تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها است. تحلیل داده‌های کیفی را می‌توان در سه فعالیت تلخیص داده‌ها، عرضه داده‌ها و نتیجه‌گیری دسته‌بندی کرد. معیار اصلی تلخیص داده‌ها بر اساس سؤالات پنج‌گانه مصاحبه‌ها مشخص شده است^۶. از آنجا که افراد مختلف، پاسخ‌های متفاوتی از حیث کوتاه بودن یا بلند بودن جملات و عبارات ایراد داشته‌اند، برخی جملات مهم آنها که می‌تواند در تحلیل و نتیجه‌گیری استفاده شود، به صورت خلاصه و با عبارت مترادف

جدول ۵. ارزش‌گذاری مؤلفه‌های مؤثر بر نظام پنهان فضایی در مسکن سنتی بهبهان بر اساس اهداف تحقیق

مؤلفه مصاحبه	کالبدی- عملکردی	فرهنگی- اعتقادی	اقتصادی- معیشتی	اقلیمی- جغرافیایی
اهداف کلی				
نفر ۱	***	***	****	*
نفر ۲	**	****	****	**
نفر ۳	***	****	***	*
نفر ۴	**	*	****	****
نفر ۵	****	****	**	***
نفر ۶	*	***	****	**
نفر ۷	****	**	****	**
نفر ۸	****	****	**	****
نفر ۹	***	****	****	*
نفر ۱۰	***	*	**	****
جمع امتیازات	۳۰	۳۱	۳۷	۲۶
اهداف فرعی				
نفر ۱	****	**	**	****
نفر ۲	**	****	****	*
نفر ۳	*	****	**	***
نفر ۴	*	*	****	****
نفر ۵	***	****	***	*
نفر ۶	****	*	*	**
نفر ۷	*	**	****	*
نفر ۸	****	****	****	****
نفر ۹	****	****	***	****
نفر ۱۰	****	****	****	****
جمع امتیازات	۳۲	۳۴	۳۴	۳۱

نمود که مرز باریکی میان میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های نظام فضایی مسکن سنتی در حوزه

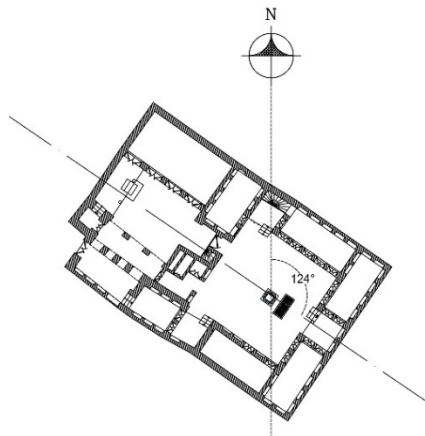
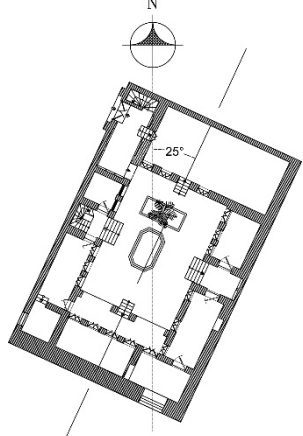
با هدف تحلیل و ترکیب یافته‌ها و بر اساس یافته‌های کمی و کیفی، می‌توان چنین بیان



موردبررسی پژوهش، وجود دارد و مجموعه عوامل به صورت در هم تنیده و به مثابه یک سیستم بر نظام فضایی تأثیرگذار هستند. در عین حال چنین دسته‌بندی مؤلفه‌ها و عوامل تأثیرگذار موجب سهولت انجام تحقیقات بر اساس داده‌های توصیفی و استنباطی و در نهایت یافته‌های کمی و کیفی می‌شود و تدوین راهبردهای مناسب در جهت حفظ و بهبود وضعیت موجود بناها و برنامه‌ریزی‌های آینده را میسر می‌گرداند. با تحلیل یافته‌ها می‌توان دریافت که عامل اقلیمی - معیشتی بیشترین تأثیر و عامل اقلیمی - جغرافیایی کمترین تأثیر را در نظام فضایی خانه‌های بهبهان در دوره قاجار و اوایل پهلوی داشته است. با توجه به اینکه حوزه سکونتگاهی بهبهان در بیشتر ماه‌های سال تحت تأثیر شدید دمای بالا و گرمی هوا قرار دارد، لذا به نظر می‌رسید که مؤلفه اقلیمی - جغرافیایی در راستای چگونگی متعادل کردن دمای مسکن و آسایش نسبی مصرف‌کننده، در این حوزه جغرافیایی علی‌الخصوص در فصول گرم سال، از بالاترین اهمیت برخوردار باشد. مقایسه امتیازات پرسشنامه‌ها و مستندات

پل - چهارراه و بارانداز بودن بهبهان حاکی از آن است که اقتضائات معیشتی، فرهنگی و اجتماعی ناشی از جغرافیای منطقه و ارتباطات با تجار و اغیار، بر وزن مؤلفه‌های نظام فضایی خانه‌های سنتی بهبهان تأثیر گذارده است. این تأثیر بدین‌گونه است که در نظام فضایی خانه‌های سنتی بهبهان مؤلفه اقتصادی - معیشتی نسبت به مؤلفه اقلیمی - جغرافیایی در درجه اهمیت بالاتری قرار می‌گیرد. در بررسی پلان نمونه‌ها نیز می‌توان دریافت که مؤلفه اقلیمی - جغرافیایی در جهت‌گیری خانه‌های سنتی بهبهان، در اولویت نبوده است. مسئله قابل توجه آن است که در بررسی پلان‌های خانه‌های سنتی بهبهان، نمی‌توان جهت‌گیری اقلیمی ثابتی را در آنها یافت. مطابق (جدول ۶)، مقایسه جهت‌گیری خانه‌های حبیب موسوی نسب و عمارت محسنی، تفاوت معناداری را در زوایای بین محور شمال و محور طولی دو بنا، نشان می‌دهد. محور طولی خانه حبیب موسوی نسب در راستای شمال شرقی - جنوب غربی و محور طولی عمارت محسنی در راستای شمال غربی - جنوب شرقی می‌باشد.


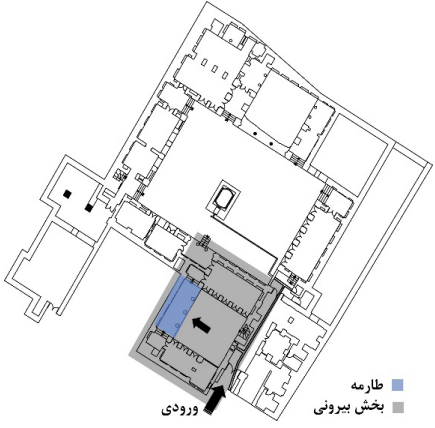


جدول ۶. مقایسه جهت‌گیری خانه‌های حبیب موسوی نسب و عمارت محسنی

عمارت محسنی (پهلوی)	خانه حبیب موسوی نسب (پهلوی)
	
زاویه بین محور شمال و محور طولی : ۱۲۴ درجه	زاویه بین محور شمال و محور طولی : ۲۵ درجه

مستقیم به اتاق‌ها ارتباط ندارد، بر خلاف کاربرد معمول طارمه، ارتباط‌دهنده چند فضا نیست بلکه از آن به عنوان محلی برای دادوستد و فعالیت‌های بازرگانی استفاده می‌شده است. در (جدول ۷) فضای معیشتی طارمه در خانه‌های نجف خان و فتح اله محسنی که حرفه صاحب خانه تجارت بوده، نشان داده شده است.

مؤلفه اقتصادی - معیشتی سبب شکل‌گیری اجزا و واحدهایی در نظام فضایی خانه‌های سنتی بهمان شده است. این اجزا، در جهت مقاصد اقتصادی - معیشتی، شکل گرفته‌اند. در خانه‌های تجار بهمان در بخش بیرونی خانه، فضایی به نام طارمه مشاهده می‌شود که به صورت ایوانی مسقف و از یک طرف باز به حیاط می‌باشد. این فضا که به طور

جدول ۷. محل قرارگیری طارمه خانه‌های حبیب موسوی نسب و عمارت محسنی

تصویر طارمه (به مثابه یک فضای اقتصادی - معیشتی)	پلان	خانه
		نجف خان (قاجار)
		فتح اله محسنی (قاجار)

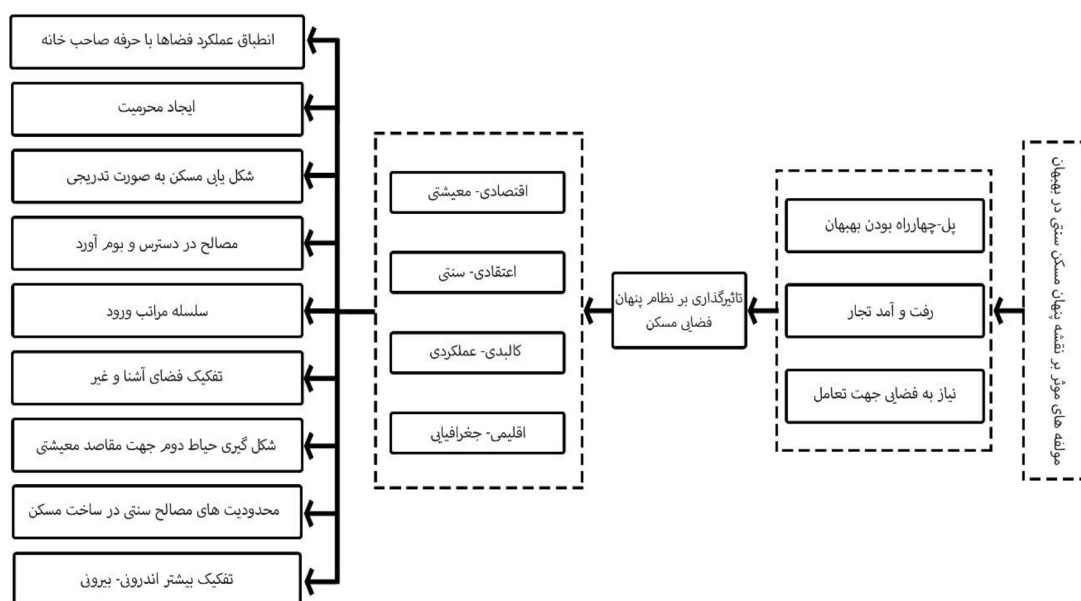
اجتماعی و فرهنگی ساکنین خود را آشکار می‌سازد. با این تعریف، مؤلفه‌های مؤثر بر نظام فضایی مسکن سنتی در حوزه مورد بررسی پژوهش، چهار دسته مؤلفه اقلیمی - جغرافیایی، مؤلفه فرهنگی - اعتقادی، مؤلفه اقتصادی - معیشتی و مؤلفه کالبدی - عملکردی با جزئیات و ابعاد خاص خود بیان

نتیجه‌گیری

مسکن به عنوان زیرسیستمی از عناصر کالبدی و انسانی در سیستمی از بسترهای تاریخی - جغرافیایی، که حاوی ارزش‌های نهفته در نظام فضایی می‌باشد؛ شناخته می‌شود که در صورت واکاوی علل و دلایل ارزش‌ها، اولویت‌ها و اصول اندیشه‌های

شد. تحقیق در حوزه این مفاهیم در بناهای سنتی بهبهان در بخش مسکن، متضمن شناخت مؤلفه‌های نظام فضایی معماری است. این مؤلفه‌ها به عنوان بستر اصلی نظام فضایی مسکن سنتی بهبهان دارای شاخص‌هایی می‌باشند که در قالب جدول و سؤالات پرسشنامه به آنها پرداخته شد. به واسطه خصوصیت «پل- چهارراه بودن» بهبهان و بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌های آماری، تقدم و میزان تأثیر مؤلفه‌های مذکور بدین صورت

است که عامل اقتصادی- معیشتی بیشترین تأثیر را در نظام فضایی خانه‌های بهبهان در دوره قاجار و اوایل پهلوی داشته است. این امر در جهت‌گیری خانه‌ها و شکل‌گیری اجزای نظام فضایی با مقاصد معیشتی، قابل رویت است. مطمئناً تعامل با بازرگانان و مسافران از یک سو و انجام فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی در خانه از سوی دیگر، نیازمند فضاهایی می‌باشد که بر نظام فضایی خانه تأثیرگذار است.



شکل ۶. مؤلفه‌های مؤثر بر نقشه پنهان مسکن سنتی در بهبهان

نتایج کمی حاصله نشان می‌دهد که دیگر عوامل مؤثر به ترتیب فرهنگی- اعتقادی، کالبدی- عملکردی و اقلیمی- جغرافیایی هستند. در بخش بعدی، نتایج کیفی حاصل از مصاحبه کارشناسان، نشان می‌دهد که مؤلفه اقتصادی- معیشتی و فرهنگی- اعتقادی بیشترین نقش را در شکل‌گیری نظام پنهان فضایی دارند. در شکل ۶، شاخص‌های مربوط به دو مؤلفه اقتصادی- معیشتی و فرهنگی- اعتقادی با بیشترین امتیاز در پرسشنامه‌ها و مصاحبه‌ها، به عنوان ارزش‌ها و اولویت‌های ساکنین خانه‌ها تبیین شده‌اند که در بستر معماری پرورانده شده و از طریق نظام فضایی پنهان در کالبد معماری، ادراک می‌شوند.

شدت و استمرار رابطه و دادوستد با دیگران و غریبه‌ها، سبب تقویت برخی ارزش‌ها شده است که در شکل‌گیری نظام فضایی خانه‌های سنتی تأثیر گذارده است. با توجه به تخریب قسمت‌های زیادی از بافت مسکونی بومی بهبهان، همچنین ساخت و سازهای نامناسب نیاز به حفظ و تحلیل یافته‌ها و مفاهیم نهفته در آنها، ضرورت می‌یابد تا از یک سو به صیانت از سرمایه‌های فرهنگی کشور ما که حکم اندوخته‌های متراکم را دارند، منجر شده و از سویی دیگر بتوان به ضوابط و معیارهایی جهت طراحی مسکن جدید بر پایه الگوی گذشته دست یافت. پرداختن به موضوع مسکن سنتی بهبهان از

آماري، خصوصاً تحقیقات میدانی و همچنین آزمون فرضیات تحقیق استفاده می‌شود.

۵. در واقع، این آزمون به ارزیابی هم قوارگی متغیرهای رتبه‌ای در دو نمونه مستقل یا غیرمستقل می‌پردازد.

۶. سؤال اول؛ اظهار نظر نسبت به سؤال اصلی پژوهش؛ سؤال دوم و سوم؛ مؤلفه‌های مؤثر بر نظام پنهان فضایی در مسکن سنتی؛ سؤال چهارم؛ بیانگر چرایی انجام پژوهش در نمونه مورد مطالعه و لزوم انجام این تحقیقات؛ سؤال پنجم؛ ضرورت ارزیابی شاخصه‌ها و ابعاد نظام پنهان فضایی مسکن و لزوم انجام تحقیقات گسترده‌تر در حوزه‌های فرادست پژوهش.

منابع

ابن حوقل، محمد بن حوقل (۱۳۱۷) صوره الارض. بیروت، دار صادر- افسر لیدن.

اردلان، نادر و لاله بختیار (۱۳۸۰) حس وحدت، سنت عرفانی در معماری ایرانی، ترجمه حمید شاهرخ، اصفهان، خاک.

استرنج، گای لو (۱۳۳۷) جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، بین‌النهرین، ایران و آسیای مرکزی از زمان فتوحات مسلمین تا ایام تیمور، ترجمه محمود عرفان، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

اصطخری، ابراهیم بن محمد (۱۳۶۸) مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، ج ۳، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

آصفی، مازیار و الناز ایمانی (۱۳۹۵) «بازتعریف الگوهای طراحی مسکن مطلوب ایرانی- اسلامی معاصر با ارزیابی کیفی خانه‌های سنتی»، پژوهش‌های معماری اسلامی، جلد ۴، شماره ۲، صص ۵۶-۷۳.

باقری، محمد، عیسی حجت و مینا دشتی (۱۳۹۴) «ارزیابی تحول زبان الگو در معماری مسکن،

چنان سابقه و پیشینه‌ای برخوردار نیست. لذا نباید انتظار داشت که در این پژوهش به تمامی جوانب مسکن سنتی بهبهان پرداخته شده باشد. مطمئناً علاوه بر مؤلفه‌هایی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است، مؤلفه‌های دیگری نیز در حوزه مسکن سنتی وجود داشته که در این مجال مورد مطالعه قرار نگرفته است و انتظار می‌رود که پژوهش‌های دیگری به این مؤلفه‌های برونزاد پردازند. از طرفی مقاله حاضر به بررسی مسکن در بستر زمانی معینی می‌پردازد، لذا در پژوهش‌های آتی، با تغییر بازه زمانی مورد بررسی، مسکن بهبهان می‌تواند مجدداً مورد مذاقه قرار گیرد. با توجه به اینکه بررسی نقشه پنهان و نظام فضایی مسکن در حوزه شهر بهبهان در استان خوزستان انجام گرفت، چنین به نظر می‌رسد که این پژوهش و روش ارائه‌شده در آن می‌تواند زمینه‌ای برای انجام تحقیقات مشابه در سایر بسترهای فرهنگی باشد و بدین ترتیب گامی مؤثر در طراحی معماری مسکن بر اساس زیر لایه‌های فرهنگی هر منطقه باشد.

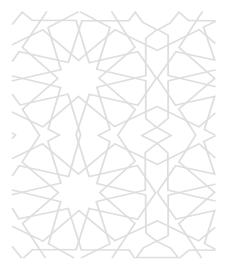
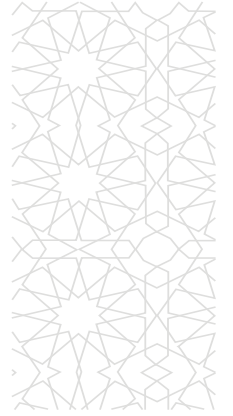
پی‌نوشت

۱. در این نوع طرح، هر دو روش کمی و کیفی به طور هم‌زمان طراحی و اجرا می‌شوند.

$$n = \frac{N z^2 pq}{N d^2 + z^2 pq} \quad ۲.$$

۳. نمونه‌گیری گلوله برفی یک روش نمونه‌گیری غیراحتمالی برای مواقعی است که واحدهای مورد مطالعه به راحتی قابل شناسایی نباشند. به ویژه هنگامی که این واحدها بسیار کمیاب یا بخش کوچکی از یک جامعه خیلی بزرگ را تشکیل می‌دهند. در این روش آمارگیر پس از شناسایی یا انتخاب اولین واحد نمونه‌گیری از آن برای شناسایی و انتخاب دومین واحد نمونه‌گیری استفاده یا کمک می‌گیرد. به همین ترتیب واحدهای دیگر نمونه شناسایی و انتخاب می‌شوند.

۴. نرم‌افزار آماری که برای تجزیه و تحلیل



بررسی موردی: خانه‌های دوره قاجار و مسکن معاصر در شهر زنجان»، نامه معماری و شهرسازی، دوره ۷ (۴)، صص ۱۴۱-۱۵۶.

پوردیهیمی، شهرام (۱۳۹۰)، «فرهنگ و مسکن»، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۴، صص ۱۸-۳.

تقوایی، ویدا (۱۳۸۶) «نظام فضایی پنهان معماری ایرانی و ساختار آن»، نشریه هنرهای زیبا، ۳۰، ۴۳-۵۲.

----- (۱۳۹۴) از مبانی نظری تا مبانی نظری در هنر و معماری، تهران، دانشگاه فنی و حرفه‌ای.

تقی‌زاده، علیرضا و تقوایی، ویدا (۱۳۹۸) «مخربندی فضایی، سیر تجلی وحدت در کثرت در معماری خانه‌های سنتی شوشتر (مطالعه موردی: خانه امین زاده و خانه گازر)»، هویت شهر، ۱۳ (۴۰)، صص ۹۱-۱۰۸.

جهانی، محمد (۱۳۶۸) اشکال العالم، ترجمه علی بن عبد السلام کاتب، به کوشش فیروز منصوری، چ ۱، مشهد، آستان قدس.

دوبد، بارون (۱۳۸۸) سفرنامه لرستان و خوزستان، ترجمه محمد حسین آریا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، لوح فشرده.

راپاپورت، آموس (۱۳۹۲) انسان‌شناسی مسکن، ترجمه خسرو افضلیان، چاپ دوم، مشهد، کتابکده کسری.

رایگانی، ابراهیم، موسوی کوهپر، سید مهدی، نیستانی، جواد (۱۳۹۴) «واکاوی عوامل مؤثر بر ویرانی ارجان پس از چندین قرن رونق و شکوفایی»، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران، شماره ۲۸، صص ۶۲-۴۱.

رهروی پوده، ساناز و سمر حقیقی بروجنی (۱۴۰۰) «بررسی عوامل مؤثر در چیدمان پلانی فضاهای

خانه‌های تک حیاط شهر اصفهان (مطالعه موردی: خانه‌های ساخته شده قبل از ۱۳۰۰ هجری شمسی)»، مجله معماری اقلیم گرم و خشک، شماره ۱۴، صص ۱۳۷-۱۵۸.

سعادت‌ی و قار، پوریا، ضرغامی، اسماعیل و قنبران، عبدالحمید (۱۳۹۸) «واکاوی تعامل بین گونه‌های شکلی مسکن سنتی و ارتباطات فضایی با استفاده از ابزار نحو فضا (نمونه موردی: خانه‌های سنتی کاشان)»، مطالعات معماری ایران، ۸ (۱۶)، صص ۱۵۳-۱۸۰.

فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۷) «مدرنیت و مسکن (رویکردی مردم‌نگارانه به مفهوم خانه سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن)»، مجله علوم اجتماعی، تحقیقات فرهنگی ایران، سال اول، شماره ۱، صص ۲۵-۶۳.

فریدون‌زاده، حسن (۱۳۹۷) هنجار شکل‌یابی مسکن روستایی (مورد پژوهی: اقلیم سرد و کوهستانی استان اردبیل) رساله دکتری رشته معماری، پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر.

گروت، لیندا و دیوید وانگ (۱۳۹۲) روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه علیرضا عینی‌فر، تهران، دانشگاه تهران.

گیفورد، رابرت (۱۳۷۷) روان‌شناسی محیط‌های مسکونی، مترجم وحید قبادیان، معماری و فرهنگ، شماره ۲ و ۳.

لطیفی، محمد و محمدجواد مهدوی‌نژاد و داراب دیبا (۱۳۹۹) «منطق اجتماعی فضا در مسکن بومی قاجار اصفهان»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۳۷، صص ۱۰۲-۱۲۸.

مداری، ابراهیم و علی کیکاووسی (۱۳۸۱) نگاهی به توان‌های گردشگری بهبهان، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی ایتا.

مزیانیان، بهاره و ژاله صابر‌نژاد و محسن دولتی و نیلوفر نیک‌قدم (۱۴۰۱) «تبیین برهم‌کنش عوامل اقلیمی و فرهنگی در شکل‌گیری حیاط

از روش نحو فضا در خانه‌های اواخر قاجاریه و اوایل پهلوی در بهبهان»، فصلنامه علمی کارافن، ۱۸ (۴)، صص ۳۷۵-۳۹۳.

مهندسین مشاور مادشهر (۱۳۸۸) گزارش مطالعات و مستند نگاری بافت تاریخی بهبهان.

ناصرخسرو (۱۳۸۱) سفرنامه ناصرخسرو، چاپ هفتم، تهران، زوار.

Baydar, G (2004) "The Cultural Burden of Architecture", Journal of Architectural Education: 9.

Hauge, A. L (2009) Housing and Identity: The Meaning of Housing in Communicating identity and its influence on self-perception, PhD thesis, Norwegian University of Science and Technology; Trondheim.

Jones, E. H (2007) Spaces of Belonging: Home, Culture and Identity in 20th Century French, Amsterdam: Rodopi.

Mazinanian, B. Sabernejad, J. Dolati, M. Nikghadam, N (2022) "The Influence of Culture in the Body of Traditional Courtyards of Hamedan Based on Data Theory", Space Ontology International Journal (SOIJ), 11 (1): 33-43.

خانه‌های سنتی شهر همدان»، مطالعات محیطی هفت حصار، ۴۱، صص ۱۰۸-۸۷.

مسائلی، صدیقه (۱۳۸۶) نقشه پنهان در مسکن سنتی کویری ایران، رساله دکتری رشته معماری، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا.

----- (۱۳۸۸) «نقشه پنهان به مثابه دست‌آورد باورهای دینی در مسکن سنتی کویری ایران»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۷، صص ۲۷-۳۸.

----- (۱۳۹۰) «مسکن خرمشهر از الگوی بومی تا ضوابط طراحی»، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۳ (۴۵)، صص ۶۱-۷۴.

مفتخر، زهرا، مومنی، کوروش و دیده‌بان، محمد (۱۴۰۰) «تناسبات حیاط خانه‌های سنتی شهر بهبهان (دوره قاجار و پهلوی اول)»، پژوهش‌های معماری اسلامی، ۹ (۲)، صص ۶۱-۸۴.

مقدسی، محمدبن احمد (۱۳۶۱) احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان.

موسوی نسب، ماهرخ، تقوائی، ویدا و مظهری، محمدابراهیم (۱۴۰۰) «تحلیل الگوی اندرونی- بیرونی به مثابه نظام پنهان فضایی با استفاده